علی همراه (حمید) فرجی، وکیل پایه یک دادگستری:

مهریه هرچند عندالمطالبه، اما تابع شرایط زوج است

این تصور که هرچه مهریه بالاتر، زندگی مشترک آرام‌تر و موفق‌تر در تجربه ۱۸ ساله یک وکیل پایه یک دادگستری رنگ می‌بازد و نشان می‌دهد حقیقت چیز دیگری است. علی همراه (حمید) فرجی می‌گوید: پشتوانه واقعی زندگی نه رقم‌های نجومی مهریه، بلکه شناخت درست و کامل زوجین از یکدیگر، گفت‌وگوهای صادقانه قبل از ازدواج و توافق منطقی درباره مسائل مالی است. او تأکید می‌کند، خانواده‌ها با آگاهی از قوانین و راهکارهای عملی می‌توانند مهریه‌ای معقول تعیین کنند و به جای تمرکز روی اعداد غیرمنطقی به شناخت زوجین، مشاوره پیش از ازدواج و مدیریت درست زندگی توجه کنند. مشروح گفت‌وگو با این وکیل در ادامه می‌آید.

■■■

چه نکاتی در انتخاب مهریه اهمیت دارد؟

به طور کلی، قانونگذار در قانون مدنی مشخص کرده است، چه چیزی می‌تواند به عنوان مهریه تعیین شود. ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی می‌گوید: هر چیزی که ارزش مالی و قابل تملک باشد، می‌تواند مهریه قرار گیرد. این یعنی تقریباً هر چیزی که مالیت داشته باشد و ارزش مالی داشته باشد را می‌توان به عنوان مهریه در نظر گرفت، اما خانواده‌ها باید در انتخاب مهریه دقت کنند و به چند نکته توجه ویژه داشته باشند. مثلاً در مورد املاک بهتر است فقط املاکی که سند رسمی دارند، مدنظر قرار گیرد. منظور از سند رسمی، ثبت رسمی ملک است و با توجه به قانون جدید ثبت املاک، این موضوع گسترده‌تر هم قابل اعمال است. در مورد طلا و سکه هم مشخص است که ارزش آن قابل اعتماد و ساده‌تر است.

براساس قانون حمایت از خانواده، چه مقدار از مهریه به صورت قطعی قابل مطالبه است و بقیه آن چگونه تنظیم می‌شود؟

برای اینکه بحث مهریه را از نگاه حقوقی مطرح کنیم، ابتدا باید به مواد ۱۰۷۸ تا ۱۰۸۱ قانون مدنی اشاره کنیم که جزئیات مهریه را توضیح داده است، اما نکته مهم‌تر، قانون حمایت از خانواده است که در سال ۱۳۹۱ تغییر و تحولی بزرگ در موضوع مهریه ایجاد کرد. ماده ۲۲ این قانون نشان‌دهنده این تغییر است و با موضوع صحبت ما می‌آیا ربط نیست. چند سالی اعداد و ارقام مهریه خیلی خاص و غیرمعمول شده بود. مثلاً مدت تولد زوجین با اعداد دیگر که با عرف جامعه سازگار نبود. قانونگذار برای ساماندهی این موضوع، تغییراتی ایجاد کرد. ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱ و تأیید شده ازسوی شورای نگهبان) می‌گوید: زوجین ممکن است هر عددی برای مهریه تعیین کنند، اما از طریق دادگاه، فقط ۱۱۰ سکه ها قابل‌مطالبه» قابل مطالبه است و نسبت به الباقی تمکن مالی و استطاعت مالی زوج مدنظر است.

حتی در مواردی که مهریه عندالمطالبه است، یعنی زن می‌تواند هر زمان که بخواهد مهریه را مطالبه کند، پرداخت آن بازبستگی به استطاعت مالی زوج دارد. قاضی در دادگاه، توانایی مالی زوج را بررسی و براساس آن میزان قابل پرداخت مهریه را تعیین می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که مطالبه مهریه هم حق زن است و هم شرایط واقعی زندگی و توان مالی زوج.

یعنی بقیه مهریه از بین می‌رود؟

خیر. براساس قانون ۱۱۰ سکه قابل مطالبه اجباری پرداخت بقیه مهریه را نیز بررسی و تعیین کند. در نتیجه وقتی در عقدنامه عددی بیش از ۱۱۰ سکه نوشته شده این به معنی از بین رفتن مازاد نیست، بلکه مطالبه آن بستگی به توان مالی زوج دارد و قانون پیش‌بینی کرده است مرجع قضایی می‌تواند این موضوع را اعمال کند.

زمان مطالبه مهریه از نظر قانون چه زمانی است؟

زن به محض وقوع عقد نکاح می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند. قانون، ازدواج را از زمان عقد نکاح معتبر می‌داند، هرچند در عرف جامعه، برخی ازدواج را زمانی تلقی می‌کنند که زوجین زیر یک سقف رفته‌اند یا مراسم عروسی برگزار شده است، اما قانوناً، زمان وقوع عقد نکاح را مبنای شروع حقوق و تعهدات زوجین می‌داند، یعنی زن حتی قبل از رفتن زیر یک سقف با همسر یا برگزاری مراسم عروسی، می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند. این به این معناست که زن می‌تواند از حق حبس استفاده کند، یعنی تا زمانی که مهریه‌اش را دریافت نکرده، حتی لازم نیست تمکین کند. به زبان ساده، زن می‌تواند قبل از زندگی مشترک یا قبل از تمکین خاص، مهریه خود را مطالبه کند و قانون و فقه اسلامی این حق را برای او پیش‌بینی کرده است.

شروط ضمن عقد چه تفاوتی با تعیین مهریه دارد و هر کدام چه نقشی برای زن دارد؟

خیلی از افراد شاید از جزئیات سند نکاحیه و بندهای مربوط به تخلف زوج است و به زن اختیاراتی می‌دهد. این موارد به مهریه ربطی ندارد و مربوط به حق طلاق یا درخواست طلاق از دادگاه می‌شود که اصطلاحاً به آن شروط ضمن عقد و از موارد عسر و حرج زوجه تلقی می‌شود. مثلاً اگر زوج شش ماه مداوم از دسترس خارج شود یا سوءرفتار داشته باشد، زن می‌تواند از دادگاه طلاق درخواست کند. این شروط به زن اجازه می‌دهد در شرایط خاص از حق طلاق یا خیارات استفاده کند و تعیین کننده حقوق او در موارد عسر و حرج است. به طور خلاصه، مهریه و شروط ضمن عقد دو موضوع جدا هستند. مهریه صرفاً مالی است و عندالمطالبه یا عندالاستطاعه تعیین می‌شود، اما شروط ضمن عقد، اختیاراتی برای زن ایجاد می‌کند تا در صورت تخلف یا شرایط خاص بتواند حق طلاق خود را از طریق دادگاه اعمال کند.

آیا توافق مسالمت‌آمیز زوجین درباره مهریه و مسائل مالی، بهتر از تصمیم دادگاه یا قاضی است؟

وقتی زندگی مشترک به مرحله‌ای برسد که اختلاف‌ها به دادگاه کشیده شود، معمولاً قاضی نمی‌تواند مثل خود طرفین به جزئیات زندگی آنها آگاه کامل باشد. به عبارت دیگر، قاضی باید بین دو طرف که هرکدام تجربه و احساسات خود را دارند، تصمیم بگیرد و تعیین تکلیف کند. بر همین اساس تجربه نشان می‌دهد به مراتب بهتر است زوج خود درباره مسائل مالی و مهریه توافق کنند، حتی قبل از مراجعه به دادگاه. وقتی خود افراد تصمیم می‌گیرند و توافق می‌کنند، نتیجه مسالمت‌آمیزتر و رضایت‌بخش‌تر است و فشار کمتری به طرفین وارد می‌شود. به طور خلاصه، توافق زوجین و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، همیشه بهتر از تصمیم یک قاضی یا دادگاه است. این موضوع باید برای دختران و پسران و خانواده‌ها روشن شود تا بدانند اهمیت گفت‌وگو، توافق و انعطاف در زندگی مشترک چقدر است.

با توجه به تجارب چند ساله شما در پرونده‌های خانوادگی آیا مهریه تضمین‌کننده خوشبختی زوجین است؟

با تجربه ۱۸ سال کار حقوقی و تمرکز بر مسائل خانواده باید بگویم تعیین مهریه‌های سنگین هیچ تضمینی برای خوشبختی زوجین ایجاد نمی‌کند. آنچه اهمیت دارد، نه عدد مهریه بلکه نحوه مدیریت مسائل مالی، نوع تعامل زوجین و توافقات روشن و صادقانه آنهاست. برای تعیین مهریه باید الگوی عملی و منطقی داشت. مهریه نباید آنقدر بالا باشد که بار مالی غیرواقعی برای زندگی ایجاد کند و نباید تصور کرد که رقم بالا می‌تواند تضمین کننده خوشبختی باشد. تجربه من و بررسی پرونده‌های متعدد خانوادگی نشان می‌دهد مهریه‌های بسیار زیاد یا عجیب و غریب نه تنها ضمانتی برای دوام زندگی نیستند، بلکه در بسیاری از موالیع به اختلاف و چالش‌های بیشتر منجر می‌شوند. حتی مهریه‌های کوچک مثل ۱۴ سکه یا چند شاخه گل هم به تنهایی پشتوانه واقعی زندگی محسوب نمی‌شوند. به گفته مقام معظم رهبری، اهمیت مهریه در زندگی جنبه مادی ندارد، مهم‌تر از آن شناخت درست و واقعی زوجین از یکدیگر است. بنابراین بهترین مهریه، مهریه‌ای است که بر پایه شناخت، گفت‌وگو و یک توافق منطقی میان دو نفر شکل گرفته باشد نه براساس اعداد غیرمعقول، تاریخ تولد یا نشانه‌های نمادین. در نهایت، آنچه پشتوانه واقعی یک زندگی است، شناخت متقابل، رفتار مسئولانه و توافق منطقی میان زوجین است، نه رقم‌های بالا و غیرواقعی مهریه.

پس اینطور که شما می‌فرمایید، شناخت صحیح زوجین قبل از ازدواج اهمیت بیشتری نسبت به مهریه دارد؟

بله مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن توجه شود، شناخت درست طرفین از یکدیگر است. نمی‌توان تضمین کرد مهریه هر چقدر بالا باشد، پشتوانه زندگی زن است، اما بهترین پشتوانه واقعی برای زندگی، شناخت کامل و صحیح زوجین از همدیگر است. امروز که ازدواج‌ها به شکل سنتی قدیم انجام نمی‌شود، شناخت واقعی خانواده‌ها اهمیت بسیار بالایی دارد و تجربه نشان می‌دهد بهترین کاری که زوجین می‌توانند انجام دهند، تحقیق و مشاوره پیش از ازدواج است. مشورت با مشاور یا ترابیست خانواده قبل از ازدواج می‌تواند کمک بزرگی باشد، اما در جامعه ما هنوز بسیاری از خانواده‌ها به این موضوع توجه کافی ندارند.

به نظر شما مشکل از کجاست؟

شاید اعتماد که به مشاوران و تراپیست‌ها و هزینه بالای مشاوره‌ها باشد. البته پوشش هایی مثل بیمه تکمیلی تا حدی این مشکل را کاهش داده است، اما هنوز جا دارد جامعه، رسانه‌ها و خانواده‌ها به اهمیت مشاوره پیش از ازدواج و شناخت زوجین بیشتر توجه کنند. درباره هزینه هم باید گفت: آیا هزینه از هم پاشیدن یک زندگی کمتر از هزینه مشاوره و تراپیست‌هاست؟ در پایان برای همه زوج‌های جوان، ازدواج زندگی مشترک بر پایه شناخت و آگاهی دارم.

نادر صادقیان، جامعه شناس:

مهریه را به جایگاه واقعی خود یعنی یک هدیه معنوی باز گردانیم

کارشناسان معتقدند، مهریه‌های سنگین همراه با مشکلات اقتصادی، آرامش زندگی مشترک را تهدید می‌کند و باعث اختلاف بین زن و شوهر می‌شود. درست مثل ساختمانی که ستون‌هایش سست باشد، زندگی‌ای که روی فشارهای مالی بنا شود در یا زود دچار مشکل می‌شود. دکتر نادر صادقیان، جامعه‌شناس می‌گوید: «مهریه یا باید اصلاح شود یا به جایگاه واقعی خود، یعنی نماد محبت و وفاداری بازگردد. نه اینکه به ابزار فشار یا معامله مالی تبدیل شود.»

■■■

موضوع مهریه را باید یک سنت دینی و فرهنگی بدانیم یا ابزاری برای تضمین زندگی مشترک؟ نگاه شما، ماهیت و کارکرد واقعی آن چیست؟

ابتدا باید ماهیت و کارکرد مهریه را بشناسیم. در گذر زمان به ویژه در سال‌های اخیر شاهد تغییراتی در ماهیت اولیه خود فاصله گرفته و کارکرد واقعی‌اش را از دست داده است. در وضع اقتصادی امروز و سال‌های مثل تورم و گرانی، تمامی موانع ساختاری که ازدواج را تحت فشار قرار می‌دهند، مهریه را هم دچار دگرگونی کرده‌اند، به طوری که دیگر آن تأثیر و نقش گذشته را ندارد. شاید در گذشته به خاطر تقسیم مستی نقش ها بین زن و مرد و جایگاه اقتصادی پایین‌تر زنان، مهریه نوعی پشتوانه مالی برای امنیت اینده زنان محسوب می‌شد، اما در دهه‌های اخیر شرایط کاملاً تغییر کرده است. سطح تحصیلات زنان بالاتر رفته، امکان اشتغال بیشتر شده، حمایت‌های قانونی تقویت شده و خانواده‌ها نیز نقش پشتیبان دارند. در گذشته، زن به دلیل نداشتن پشتوانه مجبور به تحمل مشکلات بود، اما امروز چنین اجباری وجود ندارد. به همین دلیل، نگاه به مهریه به عنوان یک پشتوانه مادی و مالی، ازدواج را از ماهیت واقعی خود دور می‌کند و آن را به یک رابطه کالایی و تجاری تبدیل می‌کند! اگر نگاه نوعی معامله است. این کالایی شدن متأسفانه بسیاری از مفاهیم اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است از علم و آموزش گرفته تا حوزه‌های عاطفی و معنوی. حتی عشق و احساس نیز در برخی موارد به نوعی معامله تبدیل می‌شود و همین موضوع آسیب‌آست و نتیجه مطلوبی ندارد. نمود این آسیب‌ها را امروز در افزایش جدایی‌ها، طلاق و بحران‌های خانوادگی می‌بینیم. در مجموع، مهریه مسئله سنتی و اصلی خود را تا حد زیادی از دست داده و شکل تازه و کارآمدی هم برای آن ایجاد نشده است. امروز جنبه‌های منفی و چالش برانگیز آن بیشتر از جنبه‌های مثبت دیده می‌شود، هرچند می‌توان امیدوار بود این روند تغییر کند. اکنون هم در سطح قوانین بازنگری‌هایی در حال انجام است که البته گام مثبتی است، اما کافی نیست. جامعه نیز آرام‌آرام به این نتیجه رسیده که مهریه سنگین به جای حمایت، به هم فشار تبدیل شده و اصل ازدواج و خانواده را تخریب می‌کند. آینده مهریه یا باید با تغییرات اساسی اصلاح شود یا به جایگاه واقعی خود برگردد. مهریه باید همراه یک مظهر احترام، تعهد و حمایت باشد، نه یک عامل فشار یا تهدید.

یک مهریه بهتر از تصمیم یک قاضی یا دادگاه است

جامعه نیز آرام‌آرام به این نتیجه رسیده که مهریه سنگین، به‌جای حمایت، به اهرم فشار تبدیل شده و اصل ازدواج و خانواده را تخریب می‌کند. آینده مهریه یا باید با تغییرات اساسی اصلاح شود یا به جایگاه واقعی خود، یعنی یک نماد و هدیه معنوی بازگردد

موضوع مهریه را باید جزء سنت دینی و فرهنگی بدانیم یا ابزاری برای تضمین زندگی مشترک؟ نگاه شما، ماهیت و کارکرد واقعی آن چیست؟

ابتدا باید ماهیت و کارکرد مهریه را بشناسیم. در گذر زمان به ویژه در سال‌های اخیر شاهد تغییراتی در ماهیت اولیه خود فاصله گرفته و کارکرد واقعی‌اش را از دست داده است. در وضع اقتصادی امروز و سال‌های مثل تورم و گرانی، تمامی موانع ساختاری که ازدواج را تحت فشار قرار می‌دهند، مهریه را هم دچار دگرگونی کرده‌اند، به طوری که دیگر آن تأثیر و نقش گذشته را ندارد. شاید در گذشته به خاطر تقسیم مستی نقش ها بین زن و مرد و جایگاه اقتصادی پایین‌تر زنان، مهریه نوعی پشتوانه مالی برای امنیت اینده زنان محسوب می‌شد، اما در دهه‌های اخیر شرایط کاملاً تغییر کرده است. سطح تحصیلات زنان بالاتر رفته، امکان اشتغال بیشتر شده، حمایت‌های قانونی تقویت شده و خانواده‌ها نیز نقش پشتیبان دارند. در گذشته، زن به دلیل نداشتن پشتوانه مجبور به تحمل مشکلات بود، اما امروز چنین اجباری وجود ندارد. به همین دلیل، نگاه به مهریه به عنوان یک پشتوانه مادی و مالی، ازدواج را از ماهیت واقعی خود دور می‌کند و آن را به یک رابطه کالایی و تجاری تبدیل می‌کند! اگر نگاه نوعی معامله است. این کالایی شدن متأسفانه بسیاری از مفاهیم اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است از علم و آموزش گرفته تا حوزه‌های عاطفی و معنوی. حتی عشق و احساس نیز در برخی موارد به نوعی معامله تبدیل می‌شود و همین موضوع آسیب‌آست و نتیجه مطلوبی ندارد. نمود این آسیب‌ها را امروز در افزایش جدایی‌ها، طلاق و بحران‌های خانوادگی می‌بینیم. در مجموع، مهریه مسئله سنتی و اصلی خود را تا حد زیادی از دست داده و شکل تازه و کارآمدی هم برای آن ایجاد نشده است. امروز جنبه‌های منفی و چالش برانگیز آن بیشتر از جنبه‌های مثبت دیده می‌شود، هرچند می‌توان امیدوار بود این روند تغییر کند. اکنون هم در سطح قوانین بازنگری‌هایی در حال انجام است که البته گام مثبتی است، اما کافی نیست. جامعه نیز آرام‌آرام به این نتیجه رسیده که مهریه سنگین به جای حمایت، به اهرم فشار تبدیل شده و اصل ازدواج و خانواده را تخریب می‌کند. آینده مهریه یا باید با تغییرات اساسی اصلاح شود یا به جایگاه واقعی خود برگردد. مهریه باید همراه یک مظهر احترام، تعهد و حمایت باشد، نه یک عامل فشار یا تهدید.

نقش مهریه به عامل برای فشار و تنش شود؟

دشمن مهریه به عاملی برای فشار و تنش شود؟

ابتدا باید گفت، آن زندگی که بخواهد بر اهرم‌های مالی و مادی تکیه کند، ریشه ندارد و دوام نمی‌آورد. چنین زندگی‌هایی دیر یا زود دچار شکست می‌شوند، چون پایه و زیربنای آن متزلزل است. ازدواج یک مسئله فرهنگی، انسانی و روانشناختی است و وقتی آن را به اجرای مالی یا تجاری تبدیل کنیم، به آرامش واقعی ایجاد می‌شود و به کارکرد اصلی ازدواج محقق می‌شود. در عروض، زندگی مشترک وارد درگیری‌ها و مشکلات جدی می‌شود که عمدتاً از جنس زجر و فشار است و قابل حل ساده نیست.

اساس این بحث، ایجاد همگرایی، اعتماد، نگرش فرهنگی و اخلاقی و جوانان به آرزویی دور از دسترس تبدیل شده و حتی اجرا خانه نیز بسیار دشوار است. هزینه‌های زندگی هم بالا رفته و همین شرایط باعث می‌شود یک دختر هنگام تصمیم به ازدواج، به خاطر احساس ناامنی و بی‌اعتمادی، به مهریه سنگین به عنوان یک ابزار تکیه کند، گرچه این کار در نهایت اشتباه است، چون بیشتر به تنش و تخریب رابطه منجر می‌شود. در نتیجه، اگر بخواهیم این مسئله حل شود، باید عوامل بنیادی و اصلی را در سطح کلان و در ساختار اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، اصلاح کنیم. تا زمانی که این عوامل منفی و مخرب وجود دارند، مهریه هم به همین شکل مشکل‌ساز باقی می‌ماند، چون مهریه در واقع معلول آن مشکلات بزرگ‌تر است. هرچقدر ثبات اقتصادی بیشتر شود، تورم کنترل شود و شرایط معیشتی بهتر شود، به همین اندازه تأثیرات مثبت آن در موضوع مهریه هم دیده خواهد شد، اما اگر مشکلات کلی پابرجا بماند، بعید است مهریه به سرعت اصلاح شود یا مسیر سالمی پیدا کند.

اشاره کردید این آسیب‌ها ریشه در عوامل مختلفی دارند و مهریه را به ابزاری آسیب‌زا تبدیل کرده است. برای بهبود وضعیت چه راهکارهایی پیشنهاد دارید؟

برای اصلاح وضعیت مهریه و کاهش آسیب‌های آن، چند بخش مهم وجود دارد. یکی بخش اقتصادی و حاکمیتی است که شامل اصلاح قوانین و تدوین مقررات متناسب با شرایط نسل امروز و موقعیت فعلی جامعه می‌شود. این بخش مهم است و می‌تواند تأثیرات جدی و مهمی داشته باشد، اما تنها بخش تأثیرگذار نیست. بخش دیگر، حوزه فرهنگی است. ماشد رسانه‌ها و نهادهای آموزشی، اینجا باید ابزارهای آموزشی، اطلاع‌رسانی، آگاهسازی و خانسازی تقویت شود. نهادهای آموزشی، دانشگاه‌ها، مدارس و در دستگاهی در چارچوب خود باید نقش خود را انجام دهند. رسانه‌ها و به ویژه باید آسیب‌ها را شفاف نشان دهند، اما ارائه کنند و محاجبه و مستند تولید کنند تا مردم واقعیت‌ها را ببینند. متأسفانه، امروز بسیاری از این موضوعات در رسانه‌ها با حاشیه قرار می‌گیرند یا کمرنگ نشان داده می‌شوند. با این حال، بنیاد اصلی و اساسی هر اصلاحی، بخش اقتصادی و معیشتی است. مسائل اقتصادی مثل درآمد، بحران مسکن، گرانی و اشتغال، لایه‌های عمیق و بنیادین مشکلات هستند، تا اینها اصلاح نشود، نمی‌توان انتظار داشت رسانه‌ها یا فعالیت‌های فرهنگی تأثیر اساسی و ماندگار داشته باشند. بخش زیادی از جامعه، به‌ویژه طبقه پایین‌تر به دلیل فشارهای معیشتی درگیر مشکلات خود هستند و شاید کمتر تحت تأثیر پیام‌های فرهنگی قرار بگیرند. بنابراین اصلاح اقتصادی، رفاه و معیشت باید همزمان با فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای پیش برود تا اثرگذاری واقعی حاصل شود.

حال بفرمایید چه راهکارهایی می‌تواند هم به ایجاد اعتماد و امنیت در ازدواج کمک کند و هم مانع تبدیل شدن مهریه به عاملی برای فشار و تنش شود؟

در افزایش جدایی‌ها، طلاق و بحران‌های خانوادگی می‌بینیم. در مجموع، مهریه مسئله سنتی و اصلی خود را تا حد زیادی از دست داده و شکل تازه و کارآمدی هم برای آن ایجاد نشده است. امروز جنبه‌های منفی و چالش برانگیز آن بیشتر از جنبه‌های مثبت دیده می‌شود، هرچند می‌توان امیدوار بود این روند تغییر کند. اکنون هم در سطح قوانین بازنگری‌هایی در حال انجام است که البته گام مثبتی است، اما کافی نیست. جامعه نیز آرام‌آرام به این نتیجه رسیده که مهریه سنگین به جای حمایت، به اهرم فشار تبدیل شده و اصل ازدواج و خانواده را تخریب می‌کند. آینده مهریه یا باید با تغییرات اساسی اصلاح شود یا به جایگاه واقعی خود برگردد. مهریه باید همراه یک مظهر احترام، تعهد و حمایت باشد، نه یک عامل فشار یا تهدید.

معصومه پاپی‌نژاد، فعال حوزه فرهنگی و زنان و خانواده:

جایگزین‌های غیرمالی مهریه بدون مبنای حقوقی موجب انحراف تازه می‌شود

معصومه پاپی‌نژاد، فعال حوزه فرهنگی و زنان و خانواده در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: اگر قرار است جایگزین‌هایی برای مهریه تعریف شود، باید در چارچوب تعریف حقوقی مهریه بوده و مالیت داشته باشد، قابل تحقق و قابل تملک برای زن باشد و بر اساس بررسی فقهی و کارشناسی و نه تصمیمات احساسی یا سلیقه‌ای تعیین شود. در غیر این صورت، این جایگزین‌ها می‌توانند مثل مهریه‌های غیروافعی گذشته، باعث سوءتفاهم، اختلاف و سوءکارکردهای حقوقی شوند. متن گفت‌وگو با وی در ادامه می‌آید.

■■■

به عنوان کارشناس مطالعات زنان، نقش مهریه را در پایداری یا بحران زندگی مشترک چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مهریه ریشه‌ای تاریخی دارد و یک حکم تأسیسی اسلامی نیست. پیش از اسلام نیز در بسیاری از جوامع، هنگام ازدواج نوعی مال یا هدیه از سوی مرد به زن یا خانواده او پرداخت می‌شد. اسلام هنگام تثبیت احکام ازدواج، این سنت را مسامان داد و با تعبیر «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ» مالکیت مهریه را به طور کامل برای زن به رسمیت شناخت. در تفاسیر نیز آمده که این «صداق» نشانه مهر و صداقت مرد در آغاز زندگی مشترک است.

اگر مهریه با جنسیت رویکرد حقوقی تعیین شود، می‌تواند به سلامت و پایداری زندگی کمک کند زیرا به زن پشتوانه‌ای اقتصادی زمین‌گیر کند، بنابراین در عمل نمایلی به پرداخت آن نخواهد داشت. به‌همین دلیل، مهریه سنگین نه موجب حفظ زندگی می‌شود و نه امنیت مالی واقعی برای زن ایجاد می‌کند. در واقع، اشتباه اصلی در همان مرحله تعیین مهریه رخ می‌دهد؛ زمانی که طرفین بر مبلغی غیروافعی توافق می‌کنند که نه متناسب با دارایی مرد است و نه امکان پذیر بودن آن بررسی شده است. نتیجه چنین توافقی معمولاً فشار، تنش و در نهایت آسیب‌دیدن رابطه زوجین است.

مهریه‌های سنگین چه تأثیری بر استقلال مالی و اجتماعی زنان دارند؟

بعنظر من مهریه‌های سنگین به‌مدرت توانسته‌اند برای زنان استقلال مالی یا جایگاه اجتماعی ایجاد کنند. تصور رایجی وجود دارد مبنی بر اینکه اگر زن مهریه بالایی تعیین کند، در صورت مطالبه آن به استقلال مالی می‌رسد، اما در واقعیت چنین اتفاقی عملاً برای بخش بزرگی از زنان رخ نمی‌دهد زیرا این مهریه‌ها معمولاً قابلیت وصول ندارند و از ابتدا بر پایه توان واقعی مرد تعیین نشده‌اند.

زنانی که به استقلال مالی و اجتماعی دست می‌یابند، معمولاً از طریق اشتغال، توانمندی فردی و تعامل سازنده با همسر به این موفقیت می‌رسند در چنین خانواده‌هایی حتی بخشی از دارایی زندگی نیز از سوی مرد به نام همسر ثبت می‌شود و این استقلال در چارچوب یک رابطه سالم شکل می‌گیرد. در مقابل، حجم بسیار بالای مهریه می‌تواند او را از نظر اقتصادی زمین‌گیر کند، بنابراین در عمل نمایلی به پرداخت آن نخواهد داشت. به‌همین دلیل، مهریه سنگین نه موجب حفظ زندگی می‌شود و نه امنیت مالی واقعی برای زن ایجاد می‌کند. در واقع، اشتباه اصلی در همان مرحله تعیین مهریه رخ می‌دهد؛ زمانی که طرفین بر مبلغی غیروافعی توافق می‌کنند که نه متناسب با دارایی مرد است و نه امکان پذیر بودن آن بررسی شده است. نتیجه چنین توافقی معمولاً فشار، تنش و در نهایت آسیب‌دیدن رابطه زوجین است.

مهریه‌های غیرمالی برای مهریه چه مزایا و معایبی دارند؟

مهریه از نظر حقوقی و فقهی الزماً باید مالیت داشته باشد و قابلیت تملک برای زن را فراهم کند. مرکز تحقیقات مسائل مجلس نشان می‌دهد هدف طرح اخیر، جبر کسر زدایی از محکومان مهریه، هم اصلاح حق حبس و توسعه راه‌های عقلایی طلاق در موارد عسر و حرج است و در عین حال سعی کرده فاقد نقص‌های فقهیا و رهبری هماهنگ باشد. سوم، بازطراحی دوره‌های مشاوره قبل از ازدواج، خطبه‌های عقد و محتوای رسانه‌ای دینی به گونه‌ای است که مهریه را نه «قیمت زن»، بلکه «حق تکریمی معقول و قابل پرداخت» معرفی کند. اگر این تلاش فرهنگی در کنار اصلاحات حقوقی ادامه یابد، هم نگرانی بابوان نسبت به تضییع حقوق زنان کاهش می‌یابد — چون اصل حق مهریه و امکان مطالبه آن به‌طور صریح در قانون حفظ شده — و هم راه برای مهریه‌های عقلایی، ازدواج آسان‌تر و کاهش زندان‌های مهریه‌ها پر می‌شود.

رسانه‌ها و فرهنگ‌سازی چگونه می‌توانند نقش مهریه را به عنوان یک تعهد اخلاقی و نه صرفاً مالی تبیین کنند؟

رسانه توانایی تغییر نگرش‌ها را دارد، طبیعتاً می‌تواند در بازتعریف نقش مهریه نیز مؤثر باشد، اگرچه باید پذیرفت که ورود دیرهنگام رسانه به این موضوع، کار را دشوارتر کرده است. اگر رسانه‌ها در فیلم‌ها، سریال‌ها و تولیدات فرهنگی خود نقش مهریه را به عنوان یک تعهد اخلاقی و نشانه صداقت در آغاز زندگی مشترک نمایش می‌دادند (و نه ابزاری برای ضمانت مالی یا فشار حقوقی) درک عمومی جامعه نیز به‌مرور اصلاح می‌شد. استفاده افراطی از مهریه به عنوان «هزینه قدرت» نتیجه همین برداشت‌های نادرست و عدم‌فرهنگ‌سازی صحیح بوده است.

امروز نیز اگرچه دیر شده اما هنوز امکان اصلاح وجود دارد به شرط آنکه محتوا‌ها غیرشعاری و غیرتحمیلی باشند، پیام‌ها در بطن داستان‌ها و روایت‌ها قرار بگیرند و از ایجاد واکنش‌های منفی در جامعه ملتهب کنونی پرهیز شود. همچنین تولید محتوای مناسب در فضای مجازی، ازسوی نهادهای فرهنگی و متخصصان مطالعات خانواده، می‌تواند به تدریج زنان و مردان را با تعریف واقعی مهریه آشنا کند: تعریفی که با فلسفه نخستین آن یعنی نشانه مهر و تعهد اخلاقی هماهنگ است، نه نقش غلطی که امروز بر آن بار شده است.

تجربه‌های موفق از خانواده‌هایی با مهریه منطقی چه درس‌هایی برای سیاستگذاری و اصلاح قانون مهریه دارد؟

تجربه خانواده‌هایی که مهریه منطقی داشته‌اند، نشان می‌دهد موفقیت آنها به این دلیل بوده که مهریه را نشانه صداقت و تعهد اولیه دانسته‌اند، نه ابزار فشار یا ضمانت طلاق. اما چالش امروز جامعه فقط میزان مهریه نیست، مشکل اصلی در سیاستگذاری‌های ناقص و نادیده‌گرفتن جایگاه واقعی زنان است. ریشه بحران‌های مرتبط مبتنی بر حضور کمرنگ زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان و دیدشدنن نیازهای واقعی آنان، نبود آموزش درست درباره ازدواج و نقش‌های زوجین، تأکید بیش از حد بر تکالیف زنان و نادیده‌گرفتن مسئولیت‌های مردان و بی‌توجهی به ارزش کار و نقش‌های مهم زنان در خانه و خانواده است. در نتیجه، سیاست‌هایی مثل کاهش ناگهانی سقف مهریه نه تنها مسئله را حل نمی‌کند بلکه موجب احساس نادیده گرفته شدن حقوق زنان می‌شود. حمایت‌های برای اصلاح قانون اینجا است که بدون اصل‌نگاه ساختاری به زن، خانواده و آموزش‌های پیش از ازدواج، نه کم کردن مهریه راه‌حل است و نه زیاد کردن آن. مهریه منطقی تنها زمانی کارآمد است که در یک چارچوب عادلانه و آگاهانه از روابط خانوادگی قرار گیرد.

حسین بهروان، جامعه‌شناس:

مهریه با ازدواج را به یک تعهد مالی سنگین تبدیل می‌کند

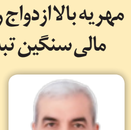

حسین بهروان، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «جوان» درباره رابطه میان شرایط اقتصادی - اجتماعی امروز و افزایش گرایش خانواده‌ها به تعیین مهریه‌های سنگین می‌گوید: نامنی اقتصادی، تورم و بی‌اعتمادی اجتماعی باعث شده خانواده‌ها برای ایجاد «حس امنیت»، مهریه سنگین تعیین کنند.

وی مهریه سنگین را بیشتر نشانه تاملمینانی اقتصادی دانسته تا یک انتخاب فرهنگی واقعی و در ادامه با اشاره به نقش مهریه‌های سنگین در شکل گیری ترس از ازدواج، تعویق ازدواج و کاهش نرخ ازدواج در نسل جوان می‌افزاید: مهریه بالا ازدواج را به یک تعهد مالی سنگین تبدیل می‌کند و همین امر باعث ترس مردان، تعویق تصمیم و کاهش ازدواج در میان جوانان می‌شود. بهروان در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چقدر مهریه در فرهنگ عمومی به یک «اصل قدرت» یا «ابزار کنترل» تبدیل شده و این نگاه چه تأثیری بر روابط زوجین می‌گذارد، نیز یادآور شد: در روابطی که اعتماد کم است، مهریه را نماد محبت به وسیله فشار و کنترل تبدیل می‌شود و این اصل نفیس رابطه زوجین را تنش‌زا و مبتنی بر ترس می‌کند. وی تأثیر رسانه‌ها، فضای مجازی، چشم‌وهم‌چشمی و سبک زندگی مصرف‌گرا را دلیل اصلی تغییر ذائقه مردم توصیف کرد تا مهریه به جای ارزش اخلاقی و معنوی تبدیل به نمایش منزلت اجتماعی و رقابت خانوادگی شود. این استاد دانشگاه با اعتقاد به اینکه مهریه‌های بالا یک ترجیح عوامل مهم در تولید نابرابری‌های جنسیتی در خانواده‌اند، به جهوگیری این امر اشاره کرده و می‌گوید: مهریه سنگین نقش‌های سنتی را تقویت می‌کند. به این صورت که مرد «پرداخت‌کننده» و زن «دریافت‌کننده» خواهد شد. همچنین این ساختار وابستگی مالی و فشار جنسیتی را بیشتر می‌کند و نابرابری را بازتولید می‌کند. بهروان با وردید به ضرورت‌های اصلاحاتی در مفهوم و کارکرد مهریه از منظر جامعه‌شناسی، توضیح می‌دهد: مهریه باید از عددهای سنگین و نمایشی فاصله بگیرد و به پشتوانه‌ای منطقی، محدود و مبتنی بر احترام و مشارکت تبدیل شود. به اعتقاد این جامعه‌شناس، امروز امنیت خانواده، نه از ضمانت‌های مالی بلکه از عدالت، تفاهم و حمایت عاطفی شکل می‌گیرد. در نگاه این استاد دانشگاه عوامل فرهنگی و رسانه‌ای نیز در سال‌های اخیر موجب افزایش توقعات» و «نمایشی شدن» م